



فصلنامه مدیریت شهری - شماره ۲۳ - بهار ۱۳۸۸
Modiriat Shahrī - No.23.Spring 2009

۴۵-۵۸

زمان دریافت مقاله:

۱۳۸۷/۶/۳۰

زمان پذیرش نهایی:

۱۳۸۸/۱/۲۹

درآمدی بر حکمروایی خوب شهری در رویکردی تحلیلی

دکتر علی اکبر تقوایی*

استادیار دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

مهندس رسول تاجدار

دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

An analysis on urban well governing (an analysis approach)

Abstract:

With the expectancy of 66 percent of world population living in cities until 2020, world is becoming an urban world. So urban management will be a kind of problem in future, a challenge which itself is affected by technological, population, economical, Political and international changes.

Scientific and research centers and development international organizations in recent decades considering more about urban management are looking for a solution for a more constant urban management and after approaches like constant development theory or people oriented city theory and etc. finally "urban well governing" was accepted as the most effective, most constant and the cheapest method. The purpose of this article explaining definitions and concepts of urban governing is to determine urban well governing scales in Iran's condition.

A correct explanation, making characteristics and a guide line look toward urban well governing help us to have urban constant management with more hope and faster in Iran's cities.

Keywords:

urban governing, urban management, Iran.

چکیده:

با پیش‌بینی استقرار بیش از ۶۶ درصد جمعیت جهان در شهرها تا سال ۲۰۲۰ میلادی، جهان در حال تبدیل به جهانی شهری است. از این رو مدیریت شهری در آینده به‌طور اعم و در قرن بیست و یکم به‌طور اخص، درگیر نوعی چالش خواهد بود؛ چالشی که خود تابعی از تغییر و تحولات فناورانه، جمعیتی، اقتصادی و سیاسی و بین‌المللی محسوب می‌گردد. شدت یافتن روزافزون مقیاس و گستردگی و نیز پیچیدگی مسائل شهرها و همچنین آشکار شدن بی‌کفایتی سیستم‌های سنتی بوروکراتیک و تصمیم‌گیری بالا به پایین، سبب شده است گرایش به سوی سیستم‌هایی به‌وجود آید که در آن تصمیمات بزرگ و کوچک با اشتراک بین صاحبان منافع شهری اتخاذ شوند. مراکز علمی و تحقیقاتی و سازمان‌های بین‌المللی توسعه در طی چند دهه اخیر با تشدید مسائل حوزه مدیریت شهری و در پی تحقق پایداری در مدیریت شهری به چاره‌جویی پرداخته و به‌دنبال مطرح شدن دیدگاه و تئوری توسعه پایدار، شهر انسان‌گرا هستند و در زمان حاضر رویکرد «حکمروایی خوب شهری» را به‌عنوان اثربخش‌ترین، کم‌هزینه‌ترین و پایدارترین شیوه اعمال مدیریت معرفی نموده‌اند. هدف از نوشتار حاضر؛ بررسی و تحلیل مفاهیم و اصول مرتبط با حکمروایی خوب شهری و بررسی نمونه‌ای از تجارب داخلی مرتبط با این رویکرد و تأکید بر این نکته است که با وجود ساختاری شدن پاره‌ای از مشکلات مدیریت شهری در ایران؛ تبیین صحیح، نهادینه‌سازی و نگاه راهبردی به موضوع «حکمروایی خوب شهری»، کمک می‌کند تا مدیریت پایدار شهری به سرعت و امیدواری بیشتری در شهرهای ایران شکل گیرد.

کلمات کلیدی:

حکمروایی شهری، حکمروایی خوب شهری، مدیریت پایدار شهری.

مقدمه

شواهد نشان می‌دهد در حالی که در سال ۱۹۵۰ تقریباً ۲۸ درصد و در حال حاضر بیش از ۵۰ درصد جمعیت جهان در شهرها زندگی می‌کنند، جهان همچنان با روند روبه‌رشد شهرنشینی روبه‌روست؛ به گونه‌ای که تا سال ۲۰۲۰ بیش از ۶۶ درصد جمعیت جهان در شهرها زندگی خواهند کرد (Morgan, T. 2003: 7). این رشد سریع و بی‌رویه شهرها و انبوه جمعیت شهرنشین جهان، بیش از هر زمان دیگری نه تنها معنای هویت شهری و کارکردهای مورد انتظار از آن (James, M, B. 1991: 11) را به‌ویژه در شهرهای بزرگ و مناطق پیرامون آنها تغییر داده است بلکه مدیریت شهری را به یکی از پیچیده‌ترین و اصلی‌ترین عرصه‌های روابط حکومت و مردم تبدیل کرده است.

مدیریت شهری در آینده به‌طور اعم و در قرن بیست و یکم به‌طور اخص دچار نوعی چالش خواهد بود؛ چالشی که خود تابعی از تغییر و تحولات فناورانه، جمعیتی، اقتصادی و سیاسی و بین‌المللی محسوب می‌گردد (صالحی، ۱۳۸۱: ۵۱). رشد فراگیر همراه با چالش‌های جدی اجتماعی - کالبدی، اقتصادی و فرهنگی و زیست‌محیطی شهرها سال‌هاست که اجماع فکری کارشناسان‌های برای چاره‌اندیشی حل مسائل زندگی شهرنشینی و کارآمدی مدیریت شهری به‌کار گرفته شده است. به عبارتی رهیافت‌ها و روش‌های برون‌رفت از ناپایداری شهرنشینی، بر ظرفیت‌سازی و توانمند بودن مدیریت شهری تأکید کرده است.

مدیریت شهری یک مفهوم فراگیر است که هدف آن تقویت سازمان‌های دولتی و غیردولتی (NGO) برای شناسایی برنامه‌ها و سیاست‌های گوناگون و پیاده‌سازی آنها با نتایج بهینه است. اندیشه اولیه کارآمدی مدیریت شهری در مؤلفه‌هایی چون در خدمت گرفتن سرمایه بیشتر، صنعتی شدن، نیروی کار بیشتر و به‌طور کلی در رشد کمی دیده می‌شد. ولی تجربه‌های جهانی به‌خصوص مطالعات بانک جهانی نشان داده است که این رویکردها نتوانسته بهبود فضای زیست، به‌خصوص در کلان‌شهرها را در پی داشته باشد و هر روز موانع زیست‌محیطی، اجتماعی و اقتصادی و

به‌طور کلی فضایی این رویکردها نمایان تر می‌شود. نهایت این روند تحول، به دیدگاه و تئوری‌های توسعه پایدار، شهر انسان‌گرا و حکمروایی خوب شهری (اداره مردمی شهرها) ختم شده است که امید می‌رود رهیافت‌ها و رویکردهای نوین مذکور، به‌ویژه حکمرانی خوب شهری به‌عنوان اثربخش‌ترین، کم‌هزینه‌ترین و پایدارترین شیوه اعمال مدیریت (ترابی، ۱۳۸۳: ۵) نظام پیچیده و چندسطحی امروزه مدیریت شهرها را بهبود بخشد.

طرح مسأله

امروزه در دنیا پذیرفته شده است که توسعه پایدار شهرها در صورتی تحقق می‌یابد که اهداف مردم‌سالاری، برابری در خدمات‌رسانی و حفظ محیط زیست با شکل‌گیری مدیریت واحد شهری و با رعایت اصول علوم روز شهرسازی، ترافیک شهری و تقسیم عادلانه منابع و درآمد شهری توأمان دنبال شود. باتوجه به اینکه شهرها به‌عنوان نیروی محرک رشد اقتصادی و نیز کانون کار و فعالیت و موقعیت‌های اجتماعی عموم کشورهای جهان محسوب می‌شوند، در وضعیت موجود شهرنشینی چندسطحی، مدیریت شهری بایستی دارای مؤلفه‌هایی چون شفافیت، پاسخگویی، مشارکت‌طلبی، قانون‌مداری، کارآمدی و اجماع‌گرایی باشد تا از تمام شرایط افزایش شهرنشینی بهره‌گیری کند. از طرف دیگر، شدت یافتن روزافزون مقیاس و گستردگی و نیز پیچیدگی مسائل شهرها و همچنین آشکار شدن بی‌کفایتی سیستم‌های سنتی بوروکراتیک و تصمیم‌گیری بالا به پایین، سبب شده است گرایش به سوی سیستم‌هایی به‌وجود آید که در آن تصمیمات بزرگ و کوچک با اشتراک بین صاحبان منافع شهری اتخاذ می‌شوند (عسگری (الف)، ۱۳۷۸: ۱۳۴). جامعه جهانی، امروزه به این نتیجه رسیده است که مشکل عمده مدیریت شهری کمبود منابع مالی یا تکنولوژی مدرن و یا نیروی انسانی ماهر نیست بلکه پیش و بیش از همه، مشکل اصلی در شیوه اداره این عوامل است (ترابی، ۱۳۸۳: ۶).

نیم‌نگاهی به وضعیت مدیریت شهری در ایران نشان



می‌دهد به دلایلی چون تمرکزگرایی، برون‌زا بودن برنامه‌ها و طرح‌های شهری، اقتصاد رانتی و مبتنی بر نفت، مدیریت شهری در سیطره دولت است و مدام از مدیریت یکپارچه و سیستمی فاصله گرفته و در گرداب مدیریت بخشی و سلولی گرفتار آمده و از روند شهرنشینی و مسائل حاصل از این شهرنشینی، عقب مانده و در دیدگاه‌ها و نگرش‌های از بالا به پایین گرفتار گردیده است. نتایج یک سده مدیریت شهری نوین در ایران به‌خصوص در کلان‌شهرها نشان می‌دهد ویژگی‌های اصلی زیر در مدیریت شهری ایران عموماً حاکم است (بوجانی، ۱۳۸۶: ۱۲):

شهرهای ایران از رهیافت‌های مؤثر آن در اصلاح و ارتقای نظام مدیریت شهرها استفاده شود. طی دهه اخیر، مقوله جدیدی در نظام مدیریت شهرها، تحت عنوان حکمروایی خوب شهری مطرح شده است که بر چگونگی دست یافتن به مدیریتی کارا و بهینه با زمینه توسعه‌ای مردم‌سالار و عادلانه تأکید دارد. نوشتار حاضر سعی دارد تا حد امکان به بررسی و تحلیل مفاهیم و اصول مرتبط با حکمروایی خوب شهری و بررسی نمونه‌ای از تجارب داخلی بپردازد.

۱- پیشینه بحث حکمروایی خوب شهری

از آنجایی که حکمروایی در بیانی ساده، فرآیندی از تصمیم‌سازی و روندی است که تصمیم‌ها در آن به اجرا در می‌آیند، می‌توان آن را به قدمت تمدن بشری دانست (فرزین‌پاک، ۱۳۸۳: ۶۸). اگرچه کاربرد مفهوم حکمروایی شهری از اواخر دهه ۱۹۸۰ و از آفریقا آغاز گردید، اما «برایان مک‌لین» اولین نظریه‌پرداز است که در سال ۱۹۷۳ به این مفهوم پرداخته است (زیبایی، ۱۳۸۷: ۲). او عقیده دارد تقاضای روزافزون مردم شهرها این است که حکومت شهری باید نسبت به روندهای تغییر در شهر «پاسخ‌گوتر»، اقداماتش با مسائل شهری و تحول آنها «متناسب‌تر»، نسبت به اجتماع «مسئول‌تر»، به‌عنوان بخشی از نظام یادگیری بهتر عمل کند و سرانجام نقش مهم در پیش‌بینی، کشف و استقبال از آینده ایفا کند. جهت تحقق این تقاضاها او ارتباط با نظام اجتماع را ضروری می‌داند و با این مقدمات حکمروایی را نوعی فرآیند می‌داند که متضمن نظام به‌هم‌پیوسته‌ای است که هم «حکومت» و هم «اجتماع» را در بر می‌گیرد. پس از او افراد دیگری چون «مک‌کینلی» (Mc Kinlay) و «اتکینسن» (Atkinson) نیز این بحث را مطرح کرده‌اند (برک‌پور، ۱۳۸۵: ۴۹۱).

در اواخر دهه ۱۹۸۰، پس از یک دهه سیاست‌های تعدیل اقتصادی ساختاری در بسیاری از کشورهای آفریقایی، بانک جهانی به این نتیجه رسید که حکمرانی، موضوعی اساسی در راهبرد توسعه کشورهایی است که عملکردشان ضعیف است. به عبارتی بانک جهانی در مطالعات سال ۱۹۸۹ دریافت که حکمرانی - شیوه مدیریت و اداره کشور یا رابطه شهروندان با

- ◆ تکیه بر ساختارها و نهادهای متمرکز و غیردموکراتیک و بی‌توجهی به نهادهای عمومی و مدنی؛
- ◆ کسب درآمد ناپایدار و رانتی برای تأمین خدمات شهری؛
- ◆ مدیریت و برنامه‌ریزی از بالا به پایین به جای مدیریت و برنامه‌ریزی از پایین به بالا؛
- ◆ کوتاهی عمر دوران مدیریت مدیران شهری؛
- ◆ بی‌مسئولیتی و بی‌برنامگی و تأکید بر نگرش بخشی به جای نگرش سیستمی؛
- ◆ تکیه بر پروژه‌محوری به جای توسعه‌محوری، «تأکید بر جنبه‌های رشد شهری به جای توسعه شهری» و تکیه بر فردمحوری به جای برنامه‌محوری؛
- ◆ چندپارچگی در مدیریت و تصمیم‌گیری، چه در ارتباط با دیگر نهادهای ذی‌ربط و چه در درون شهرداری؛
- ◆ عدم شفافیت و پاسخگویی: عدم حسابرسی و اطلاع‌رسانی؛
- ◆ بی‌توجهی به آموزش شهروندان و مدیران و کارکنان نهادهای خدمات‌رسان شهری.

از این رو اصلاح و بازنگری در نظام مدیریت شهری کشور با تحولات ساختاری و محتوایی دیدگاه‌های نوین مطرح در زمینه مدیریت شهری به‌طور جدی مورد تأکید بوده و ضمن مطابقت رویکردهای نوین، باید با شرایط و ویژگی‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی حاکم بر



حکومت‌کنندگان - موضوع محوری توسعه است. پس از آن سازمان ملل در دومین کنفرانس مربوط به سکونتگاه‌های انسانی، در سال ۱۹۹۶ استانبول، شعار خود را «فعالیت جهانی برای حکمروایی شهری خوب» قرار داد و تأکید کرد که شهرهای جهان می‌بایست در جهت استقرار حکمروایی شهری قدم بردارند (برک‌پور، ۱۳۸۵: ۵۰۰). در گزارش سالانه ۱۹۹۷ نیز این بحث با موضوع تازه‌ای یعنی سیاست‌های توانمندسازی دولت با بهره‌مندی از حکمرانی، به‌عنوان موضوع اصلی سیاست‌گذاری‌های توسعه قرار گرفت و به‌طور کلی پس از آن مفهوم جدید حکمرانی خوب در سیمناها و همایش‌های متعددی مورد بررسی قرار گرفته است. از سال ۲۰۰۰ به‌طور مداوم بانک جهانی هر ساله گزارشی در مورد فعالیت‌ها و همکاری‌های این بانک با کشورهای مختلف با عنوان «اصلاح نهادهای عمومی و تقویت حکمرانی» منتشر کرده است (عربشاهی، ۱۳۸۳: ۱۱ و ۱۲).

محصول، فرآیندی که در سطوح مختلفی عمل می‌کند و واژه حاکمیت گویای معنای «governance» است (عسگری (الف)، ۱۳۷۸: ۱۳۵). از طرفی دیگر موضوع مورد بحث درباره خوبی یا بدی حاکمیت نیست؛ بلکه کارآمدی، زندگی و مشارکت مورد نظر است. از این رو واژه شایسته گویای معنای «good» خواهد بود (اطهاری، ۱۳۸۶: ۳۲). استفاده ما از واژه حکمروایی خوب یا حاکمیت شایسته، گذشته از واژه‌شناسی، به همان مفهومی است که به‌وسیله سازمان‌های جهانی مسئول توسعه به‌کار گرفته شده است. به‌طور کلی، در ادبیات منتشر شده در سال‌های اخیر، واژه‌های «حکمرانی خوب شهری»، «حکمروایی خوب شهری» و «حاکمیت شایسته شهری» بیش از سایر اصطلاحات، مورد نظر کارشناسان بوده است. اما با وجود این آنچه مورد اهمیت می‌باشد مفهوم و اصول رویکرد مورد نظر است.

۳- تعاریف و مفهوم حکمروایی شهری

در طی دهه اخیر گزارش‌ها و مطالب نسبتاً زیادی پیرامون حکمروایی شهری به‌ویژه با محوریت بانک جهانی که ابداع‌کننده واژه حکمروایی و توسعه‌دهنده این مفهوم می‌باشد، منتشر شده است. بانک جهانی، حاکمیت را به‌عنوان «روشی که بر اساس آن بر مدیریت اقتصادی یک کشور و منابع اجتماعی آن برای رسیدن به توسعه اعمال قدرت می‌شود» تعریف نموده است. در یک تعریف جامع‌تر ارائه شده در سال ۱۹۹۵ چنین آمده است «حکمرانی مجموعه‌ای از روش‌های فردی و نهادی، عمومی و خصوصی است که امور مشترک مردم را اداره می‌کند و فرآیندی پیوسته است که از طریق آن منافع متضاد یا متنوع را همساز نموده و اقدام همکاری‌جویانه اتخاذ می‌گردد. حکمرانی شامل نهادهای رسمی و نظام‌هایی است که برای تضمین رعایت قانون، قدرت پیدا کرده‌اند که به نفع آنها است». بر اساس تعاریف بالا می‌توان گفت که «حاکمیت شایسته» روشی برای تنظیم روابط اجتماعی در بین حوزه‌های خصوصی و سیاسی است که دستیابی به توسعه پایدار را ممکن می‌سازد. «هایدن» سه شرط نفوذ و نظارت شهروندان، رهبریت پاسخگو و

۲- معنای واژه

در ادبیات منتشر شده «حکمروایی خوب» را برگردان واژه «Good Governance» عنوان کرده‌اند. با وجود این، اکثر صاحب‌نظران داخلی معتقدند، به‌جای ترکیب عربی - فارسی «حکمروایی»، واژه «حاکمیت» را معادل (Governance) می‌توان به‌کار برد و به‌جای واژه «خوب»، واژه «شایسته» را معادل (Good) قرار داد (اطهاری، برک‌پور، کاظمیان و مهدیزاده، ۱۳۸۶: ۹). واژه «حاکمیت شایسته» به چند دلیل بر واژه‌های چون حکمرانی یا حکمروایی خوب ترجیح دارد. حکمرانی یا حکمروایی مترادف با حکومت (government) است که در عین حال به قدرت حاکم (ریاست قوه مجریه governor) نیز اطلاق می‌شود؛ در صورتی که حاکمیت، چیزی بیش از صرف اعمال اقتدار توسط حکومت است. حاکمیت مستلزم کار فراسوی مرزهای بخش عمومی و نیز بین بخش‌های عمومی، خصوصی و اجتماعات محلی است. شراکت و شبکه‌سازی برای موفقیت در این عرصه امری اساسی به‌شمار می‌رود. به این ترتیب به‌نظر می‌رسد حاکمیت با حکومت یکسان نیست. حاکمیت یک فرآیند است تا یک



قدرت دولت است؛ واگذاری آن نیست بلکه تقسیم آن در سطوح ملی، منطقه‌ای و محلی است و قدرت، همچنان در اختیار حکومت است. دیدگاهی دیگر، بر مبنای نگرش رایج بر نظریه «دولت حداقل»، حکمروایی را به مفهوم قدرت دادن به بازار و بخش خصوصی می‌داند. حکمروایی بنابر اقتضای شرایط و نیروهایی که آن را به کار می‌گیرند، می‌تواند به سمت پیچیده‌تر شدن اقتدار حکومت برود یا به سمت بازار و بخش خصوصی حرکت کند. شیوه درست و هنجاری حکمروایی این است که باید بتواند مشارکت و همکاری را میان همه نیروهای مؤثر در مدیریت جامعه یعنی دولت، بخش خصوصی، بخش عمومی و تشکل‌های مردمی برقرار کند (اطهاری، برک پور، کاظمیان و مهدبیزاده، ۱۳۸۶: ۱۱). در مجموع از تحلیل و مقایسه تعاریف گوناگون حکمروایی، مبنای مشترک زیر را می‌توان استنتاج کرد:

- ◆ حکمروایی شهری، مفهومی گسترده تر و فراگیرتر از حکومت شهری است؛
- ◆ حکومت شهری، مجموعه‌ای از سازمان‌ها و نهادهای رسمی اداره شهر است، حال آنکه حکمروایی شهری نوعی فرآیند و ارتباط میان حکومت شهری و شهروندان است؛
- ◆ حکمروایی شهری، هم حکومت شهری و هم جامعه مدنی را در بر می‌گیرد؛
- ◆ تحقق حکمروایی شهری مستلزم کنش متقابل بین نهادهای رسمی و دولتی و نهادهای جامعه مدنی است؛
- ◆ حکمروایی شهری بر حقانیت و تقویت عرصه عمومی تأکید می‌کند؛
- ◆ حکمروایی شهری به دلیل شرکت نهادهای گوناگون جامعه مدنی در مدیریت و اداره شهر، می‌تواند به سازگاری منافع و رفع تعارضها منجر شود.

مأخذ: (برک پور، ۱۳۸۴: ۴۹۸)

مسئول و معامله به مثل اجتماعی را برای تسهیل حاکمیت خوب تعریف می‌کند که هر کدام دارای سه عنصر به شرح دیاگرام فوق است (عسگری(الف)، ۱۳۷۸: ۱۳۹).

در واقع حاکمیت شایسته در پی فراهم آوردن محیطی است که در آن شهروندان، امکان توافق و برقراری انواع روابط اجتماعی (اقتصادی، سیاسی و فرهنگی) را به طور آزادانه داشته باشند، بدون آنکه حقوق دیگران را نقض کنند. به زبان اقتصادی، در چنین شرایطی هزینه‌های ارتباطات یا معاملات (Transaction costs) اجتماعی به حداقل می‌رسد، که معادل به حداقل رسیدن اصطکاک در محیط فیزیکی است؛ در نتیجه توسعه اجتماعی و رشد اقتصادی به بالاترین سرعت و شتاب می‌رسد. بنابر نظر صاحب‌نظران داخلی؛ حکمروایی شهری یعنی اثرگذاری همه ارکان اثرگذار شهری بر مدیریت شهر، با تمام سازوکارهایی که به سوی تعالی شهر و شهروندان حرکت کنند، نه اینکه عرصه‌های عمومی و خصوصی کنار گذاشته شوند و فقط «عرصه حکومتی» اختیاردار آن دو باشد. منشأ قدرت و مشروعیت در حکمروایی شهری، تمام «شهروندان» و حضور آنها در همه صحنه‌ها و ارکان «جامعه مدنی» است (شهیدی، ۱۳۸۶: ۴۲). مدنی‌پور معتقد است: حکمرانی خوب به این معناست که تمام طرف‌ها، گروه‌ها و سازمان‌های درگیر و مردم محل با یکدیگر همراه گردند و همه به‌نحوی در برنامه‌ریزی و مدیریت دخیل شوند (اسدی، ۱۳۸۲: ۲۷).

حکمروایی از دیدگاه جامعه‌شناسی، نوعی پارادایم یا چارچوب تاریخی و معرفتی جدیدی است برای پاسخگویی به شیوه اداره جوامع کنونی که می‌تواند ایدئولوژی‌های مختلفی را درون خود داشته باشد. در یک برداشت، حکمروایی به مثابه سلسله مراتبی شدن

۴- تفاوت حکومت شهری و حکمروایی شهری

حکومت و حکمروایی دو الگوی متفاوت در شیوه اداره شهرها هستند. تفاوت این دو ایده در میزان قدرت، نفوذ و صلاحیت سه عنصر دولت، بخش خصوصی و بخش مردمی (جامعه) در جامعه شهری است. بنا بر نظر «مک لاین» حکومت، مجموعه‌ای از نهادهای رسمی و حقوقی با قدرت قانونی است و مبین رویکرد سنتی به اداره شهرها و مدیریت شهری و کلان شهری است و بیشتر به مناسبات حکومت مرکزی با شهرداری‌ها و سازمان‌های رسمی و حکومتی می‌پردازد و بر روابط عمومی بین آنها تأکید دارد؛ در حالی که حکمروایی نوعی فرآیند است که متضمن نظام به‌هم‌پیوسته‌ای است که هم حکومت و هم اجتماع را در بر می‌گیرد (لاله‌پور، ۱۳۸۶: ۶۲). در تعریف نظری، حکمروایی، یک گام جلوتر از حکومت است. حکومت، یک نهاد است در صورتی که حکمروایی، یک فرآیند تعاملی است که میان نهاد رسمی حکومتی و عناصر دیگر، شکل می‌گیرد و سیاست‌ها و تصمیم‌ها از دل این تعامل برمی‌خیزد. در ادامه راه، این فرآیند می‌تواند به یک نهاد تثبیت‌شده تبدیل شود که توانایی اداره جامعه را داشته باشد (اطهاری، برک‌پور، کاظمیان، و مهدیزاده، ۱۳۸۶: ۱۲).

بدین ترتیب از دیدگاه‌های مختلف، یکی از تفاوت‌های عمده میان حکومت شهری و حکمروایی شهری در فراگیرتر و گسترده‌تر بودن مفهوم حکمروایی نسبت به حکومت خلاصه می‌شود. در واقع حکمروایی، حکومت را شامل می‌شود و علاوه بر آن عناصر، گروه‌ها و سازمان‌هایی را هم که به‌طور غیررسمی در رشد و توسعه شهر مؤثر هستند در بر می‌گیرد. نکته دیگر اینکه مفهوم حکمروایی شهری در مقیاس‌های مختلف تعریف شده است. پژوهشگران حکمروایی را از مقیاس محلی تا مقیاس ملی و بین‌المللی به‌کار برده‌اند. برای مثال «سرنیواس» اشاره می‌کند که حکمروایی هم دولت و هم جامعه مدنی (یعنی بازیگران اجتماعی و اقتصادی، نهادهای مبتنی بر اجتماع و

گروه‌های سازمان‌نیافته، رسانه‌های همگانی و نظایر آن) را در سطوح محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی شامل می‌شود یا در یکی از اسناد سازمان ملل، حکمروایی به‌عنوان فرآیند اعمال اقتدار اقتصادی، سیاسی و اجرایی برای اداره کشور در همه سطوح تلقی شده است (برک‌پور، ۱۳۸۵: ۴۹۴).

۵- ویژگی‌های حکمروایی خوب شهری

حکمروایی در واقع فرآیندی است که دولت، آن را هدایت می‌کند ولی با همکاری بخش خصوصی و جامعه مدنی به پیش می‌رود (برآبادی، ۱۳۸۳: ۵۵). در حکمروایی دولت یکی از کنشگران است و سایر عوامل دخیل در حکمروایی بسته به سطح مورد بحث، گوناگون‌اند. همان‌طور که در نمودار (شماره ۱) روابط درونی میان کنشگران شهری نشان داده شده است، این تعامل می‌تواند در سطح اقشار مختلف و یا سازمان‌های گوناگون تعریف گردد.

نمودار (شماره ۱): روابط کنشگران شهری



را از حاکمیت شهری خوب را به شرح جدول زیر آورده است(عسگری(الف)، ۱۳۷۸: ۱۴):

همچنین در دومین کنفرانس ملل متحد در مورد سکونتگاه‌های انسانی، معیارهایی چون: پاسخگو بودن، فراگیر بودن، مشارکت‌جو بودن، قانون‌مدار بودن و شفافیت داشتن به‌عنوان ویژگی‌های حکمروایی خوب مطرح شد. به‌طور کلی همان‌طور که در نمودار (شماره ۲) نشان داده شده است، از برآیند نظرات مختلف، حکمروایی خوب می‌بایست ۷ ویژگی عمده داشته باشد. بر این اساس این نوع حکمروایی مشارکتی، اجماع‌گرا، پاسخگو، شفاف، کارا و کارآمد، دربرگیرنده و پیرو قانون است.

در مقایسه با مفهوم حکمروایی به‌طور عام، حکمروایی خوب شهری می‌بایست دارای ویژگی‌های باشد که مطلوبیت آن را تبیین کند. حکمروایی خوب یک پیش‌نیاز اساسی برای توسعه پایدار است. در کشورهای مختلف با منابع طبیعی و ساختار اجتماعی مشابه و برابر، با تفاوت در شیوه‌های مدیریت و اجرا نشان داده شده است که بهبود سطح زندگی و رفاه جامعه نیز به‌صورت متفاوتی ارتقا یا کاهش یافته است(Downer, ۲۰۰۰: ۵). سازمان‌های بین‌المللی و صاحب‌نظران، معیارهای مختلفی را برای تبیین حکمروایی خوب بیان کرده‌اند. برنامه توسعه سازمان ملل متحد مجموعه ویژگی‌های موردنظر خود

ویژگی‌های حاکمیت شهری خوب

✓ مشارکتی	✓ اهل تساهل و مداراگر و پذیرشگر رویکردهای متنوع
✓ پایدار	✓ توانا در بسیج منابع برای اهداف اجتماعی
✓ مشروع و مقبول	✓ عمل به حکم قانون
✓ شفاف	✓ تقویت مکانیزم‌های بومی و محلی
✓ اعتلادهنده عدالت و برابری	✓ کارایی و کارآمدی در استفاده از منابع
✓ خدمت‌گرا	✓ تسهیل‌گرا و توانمندساز
✓ توانا در توسعه منابع و روش‌های حاکمیت	✓ تنظیم‌کننده و کنترل‌کننده
✓ اعتلادهنده تعادل و برابری جنسی	✓ توانا در برخورد با موضوعات موردی (زمان‌دار)



فصلنامه مدیریت شهری
Modiriat Shahrī
شماره ۲۳ - بهار ۱۳۸۸
No.23.Spring 2009

نمودار (شماره ۲): ویژگی‌های حکمروایی خوب شهری



این حکمروایی تضمین می‌کند که فساد به حداقل برسد، دیدگاه‌های اقلیت‌ها مورد توجه قرار می‌گیرد و صدای آسیب‌پذیرترین اقشار اجتماع در تصمیم‌سازی‌ها شنیده شود. همچنین حکمروایی خوب شهری به نیازهای حال و آینده جامعه پاسخ می‌دهد. در مجموع تبیین ویژگی‌های حکمروایی خوب شهری به صورت ذیل است (فرزین‌پاک، ۱۳۸۳: ۷۰):

- مشارکت: مشارکت زنان و مردان نقطه اصلی حکمروایی خوب است. مشارکت می‌تواند مستقیم یا از طریق مؤسسات قانونی یا نمایندگان صورت پذیرد. مشارکت، نیازمند تشکل یافتن و سازماندهی است. این موضوع به مفهوم آزادی تشکل مؤسسه و آزادی بیان از یک سو و جامعه مدنی سازمان‌یافته از سوی دیگر است.

- پیروی از قانون: حکمروایی خوب نیازمند چارچوب‌های عادلانه قانونی است که بی‌طرفانه به اجرا درآیند و در عین حال نیازمند حمایت کامل از حقوق بشر به‌ویژه در خصوص اقلیت‌هاست. اجرای منصفانه قوانین نیازمند نظام قضایی غیروابسته و نیروی پلیس غیرمعرض و فسادناپذیر است.

- شفافیت: شفافیت به مفهوم پیروی تصمیم‌های گرفته‌شده از مقررات و قوانین است و بدین مفهوم است که اطلاعات آزادانه در دسترس و مستقیماً در اختیار کسانی قرار گیرد که از این تصمیمات و اجرای آن تأثیر می‌پذیرند. همچنین شفافیت یعنی اطلاعات کافی که به شکلی قابل فهم فراهم شده باشد.

- اجتماع‌گرایی: در یک اجتماع مفروض، کنشگران گوناگونی به چشم می‌خورند و در نتیجه دیدگاه‌های متفاوتی نیز وجود دارند. حکمروایی خوب نیازمند میانجی‌گری میان علائق مختلف در جامعه برای رسیدن به اتفاق نظر در اجتماع است؛ به طوری که دیدگاه‌های کل جامعه و چگونگی رسیدن به آنها، به بهترین شکل جلب شود. همچنین لازم است چشم‌انداز وسیع و بلندمدتی از آنچه که برای توسعه پایدار بشری نیاز است و چگونگی دسترسی به اهداف چنین توسعه‌ای طرح شود. این چشم‌انداز تنها در نتیجه درک زمینه‌های تاریخی، فرهنگی

و اجتماعی جامعه ترسیم شدنی است.

- اهداف و دربرگیری: رفاه جامعه به تضمین این امر وابسته است که همه اعضای جامعه حس حمایت شدن را در خود داشته باشند و نه جدا ماندن از جریان اجتماع. بدین ترتیب نیاز است که همه گروه‌ها و به‌ویژه آسیب‌پذیرترین آنها فرصت بهبود و یا حفظ شرایط رفاهی خود را داشته باشند.

- اثربخشی و کارآمدی: حکمروایی خوب به مفهوم آن است که فرآیندها و مؤسسات، نتایجی را ارائه کنند که نیازهای جامعه را برآورده سازند و در کنار آن به بهترین شکل از منابع بهره‌برداری کنند. مفهوم کارآمدی در حیطه حکمروایی خوب استفاده پایدار از منابع طبیعی و حمایت از محیط زیست را نیز در بردارد.

- پاسخگویی: پاسخگویی از مقتضیات حکمروایی خوب است. نه تنها مؤسسات دولتی بلکه بخش خصوصی و سازمان‌های جامعه مدنی نیز بایستی پاسخگوی عموم و همچنین مؤسسات ذی‌نفع باشند. اینکه چه کسی به چه کسی پاسخگوست بسته به آنکه تصمیم‌ها یا عملکردها در داخل سازمان یا مؤسسه باشد و یا خارج از آن، متغیر است. در حالت کلی، سازمان‌ها یا مؤسسات پاسخگوی افرادی‌اند که از تصمیم‌ها یا عملکردهای آنها تأثیر می‌پذیرند. پاسخگویی نمی‌تواند بدون شفافیت و رعایت قوانین اعمال گردد.

۶- معیارهای حکمروایی خوب شهری در ایران

بر اساس مطالعاتی که در زمینه حکمروایی خوب شهری و مطابقت آن در شرایط شهرهای ایران صورت گرفته است معیارهایی چون مشارکت شهروندان، اثربخشی و کارایی، پذیرا بودن و پاسخ‌ده بودن، مسئولیت و پاسخ‌گویی، شفافیت، قانونمندی، جهت‌گیری توافقی، عدالت، بینش راهبردی و تمرکززدایی به‌عنوان معیارهای حکمروایی خوب شهری در ایران نام برده شده است. هر یک از معیارهای نام برده دارای مفهومی است که در نظامی



یکپارچه در تعامل با یکدیگر نظام مدیریت شهری مبتنی بر حکمروایی خوب را تشکیل می‌دهد. در ادامه هر یک از معیارهای فوق به عنوان معیارهای مطلوب حکمروایی شهری در شهرهای ایران معرفی می‌گردند (برک‌پور، ۱۳۸۵: ۵۰۱):

– **مشارکت شهروندان:** منظور از مشارکت، قدرت تأثیرگذاران بر تصمیم‌گیری‌ها و سهیم شدن شهروندان در قدرت است. مشارکت فقط به حمایت مردم از تصمیم‌گیران و تأیید سیاست‌های آنان محدود نمی‌شود، بلکه فرآیندی است که در آن شهروندان و مسئولان در تصمیم‌گیری شهری سهیم می‌شوند.

– **اثربخشی و کارایی:** این معیار بر استفاده از منابع موجود برای تأمین نیازهای شهروندان، ارائه خدمات شهری و رضایت مردم استوار است.

– **پذیرا بودن و پاسخ‌ده بودن:** این معیار، دو نکته مکمل را هم در بر دارد. مسئولان شهری باید هم نیازها و خواسته‌های شهروندان را دریابند و بپذیرند و هم نسبت به آن واکنش و پاسخ مناسب را از خود نشان دهند. بنابراین هم‌سویی خواسته‌های شهروندان و اقدام مسئولان، ضروری است.

– **مسئولیت و پاسخ‌گویی:** این معیار بر مسئول بودن و به عبارت گویاتر، حساب پس دادن مسئولان و تصمیم‌گیران در قبال شهروندان استوار است. بنابراین وجود سازوکارهایی برای پاسخ‌گویی مسئولان ضروری است.

– **شفافیت:** شفافیت، نقطه مقابل پنهان‌کاری در تصمیم‌گیری است. پنهان‌کاری، امکان بروز فساد در تصمیم‌گیری را افزایش می‌دهد، حال آنکه شفافیت مانع از گسترش آن می‌شود. این معیار بر گردش آزاد اطلاعات و سهولت دسترسی به آن، وضوح اقدامات و آگاهی مستمر شهروندان از روندهای موجود استوار است.

– **قانونمندی:** منظور از قانونمندی در تصمیم‌گیری شهری، وجود قوانین کارآمد، رعایت عادلانه چارچوب‌های قانونی در تصمیم‌گیری و دور بودن دست افراد غیرمسئول از تصمیم‌گیری‌هاست. پای‌بندی به قوانین، مستلزم آگاهی

شهروندان از قانون و همچنین احترام مسئولان به قانون است.

– **جهت‌گیری توافقی:** شهر، عرصه گروه‌ها و منافع مختلف و گاه در حال ستیز با یکدیگر است. منظور از جهت‌گیری توافقی، تعدیل و ایجاد توافق میان منافع مختلف است. این کار مستلزم وجود ارتباط و تلاش مشترک میان سازمان‌های دولتی، شهروندان و سازمان‌های غیردولتی (نماینده گروه‌های مختلف) است.

– **عدالت:** منظور از عدالت، ایجاد فرصت‌های مناسب برای همه شهروندان در زمینه ارتقای وضعیت رفاهی خود، تلاش در جهت تخصیص عادلانه منابع و مشارکت اقشار محروم در اعلام نظر و تصمیم‌گیری است.

– **بینش راهبردی:** فرارفتن از مسائل روزمره شهر و پرهیز از غرق شدن در آنها، مستلزم وجود بینشی گسترده و درازمدت نسبت به آینده یا داشتن بینش راهبردی در زمینه توسعه شهری است.

– **تمرکززدایی:** طی مطالعات بانک جهانی، بیش از ۶۰ درصد کشورهای در حال توسعه در حال اجرای برنامه تمرکززدایی هستند (شفیعی، ۱۳۸۱: ۴۷). این مفهوم بر واگذاری اختیار به سازمان‌ها و مراکز مختلف و صلاحیت نهادهای محلی بر انجام وظایف تأکید می‌کند. تمرکززدایی بر اصل «تفویض مسئولیت به سطح پایین‌تر» (Subsidiarity) استوار است.

۷- بررسی نمونه‌ای از تجارب داخلی

رویکرد حکمروایی خوب شهری، به‌عنوان چارچوبی مفهومی جهت اصلاح و هدایت فرآیندهای تعاملی در نظام‌های مدیریتی در سطوح مختلف مرتبط با شهرها مطرح است. در واقع در سطح محلی (شهرها) و در سطح فراتر از شهرها (مجموعه‌های شهری) به‌عنوان اصلی‌ترین سطوح مرتبط با مدیریت شهرها مطرح‌اند. در هر یک از این سطوح بنابر ضروریات مقیاس آنها فرآیندهای نظام مدیریت می‌تواند برگرفته از محور مفهومی حکمروایی خوب باشد. در ایران طرح «نظام جامع مدیریت

مجموعه‌های شهری کشور» به‌عنوان نمونه مطالعاتی است که در زمینه چارچوب نظام مدیریتی شهرها، در دهه اخیر صورت گرفته است. (۱)

الگوی مدیریت مجموعه‌های شهری در دو سطح؛ یکی سطح منطقه‌ای (مجموعه شهری) است که کل مجموعه شهری را در بر می‌گیرد و دیگری سطح محلی است که شهرداری‌های هر کدام از شهرها و شهرک‌های موجود در مجموعه شهری را شامل می‌شوند. در این مطالعات، اهداف کلانی که در گزینش الگوی مناسب برای نظام جامع مدیریت مجموعه‌های شهری در نظر گرفته شده است، با محوریت مفهومی حکمروایی خوب مبتنی بر دیگرام زیر است. تطابق اهداف کلان ذکر شده جهت تدوین نظام جامع مذکور، با معیارهای حکمروایی خوب شهری در ایران مشتمل بر: مشارکت شهروندان، اثربخشی و کارایی، پذیرا بودن و پاسخ‌ده بودن، مسئولیت و پاسخ‌گویی، شفافیت، قانونمندی، جهت‌گیری توافقی، عدالت، بینش راهبردی و تمرکززدایی نشان می‌دهد که در یک راستای مفهومی تعریف شده‌اند.

اهداف کلان نظام جامع مدیریت مجموعه‌های شهری

• تعیین هزینه ارائه خدمات شهری • بهبود کیفیت خدمات شهری • افزایش خدمات شهری	حداکثر کارایی اقتصادی
• سازگاری با قوانین اساسی و موجود • استفاده از ظرفیتهای انسانی موجود • هزینه های اناری و اجتماعی	حداکثر سازگاری و انطباق قانونی و اداری
• پذیرش نوآیند • مدارس محلی • مدارس مردم	حداکثر پذیرش سیاسی و اجتماعی
• توزیع بهر درآیند • بهبود عدالت توزیعی خدمات	حداکثر عدالت و برابری اجتماعی
• توسعه انسانی • توسعه کالبدی	بهبود سازی نوسنه و برنامه ریزی

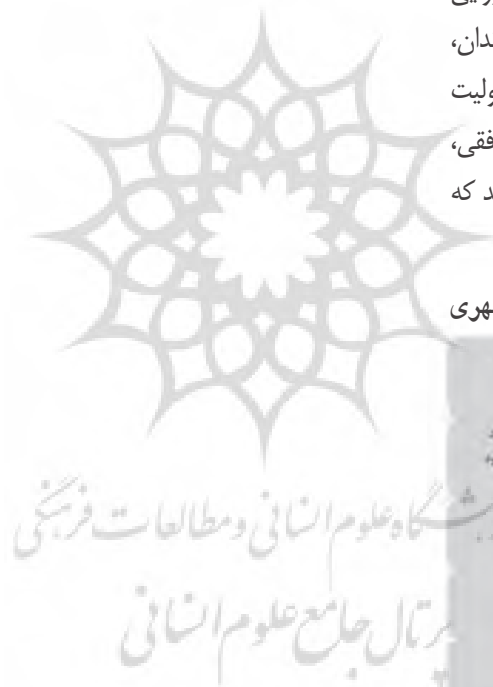
مأخذ: (عسگری (ب)، ۱۳۷۸: ۴۵)

شهری محلی (شهرداری‌ها، دهیاری‌ها و شوراهای مربوطه) شکل می‌دهند و سطح دوم به تشکیلات ویژه مدیریت مجموعه شهری می‌پردازد. عملکردهای اصلی سطح دوم عمدتاً به سیاستگذاری، برنامه‌ریزی، هماهنگی و نظارت مربوط می‌شود و به‌جز موارد خاص و خارج از اختیارات و امکانات سطوح محلی، وارد امور جزئی نمی‌شود. عناصر مدیریتی سطح محلی نیز استقلال مدیریتی و قلمرویی خود را در درون محدوده رسمی خود (محدوده شهر و روستا) حفظ کرده و به انجام وظایف و ارائه خدمات محلی می‌پردازند (عسگری (ب)، ۱۳۷۸: ۵۳).



فصلنامه مدیریت شهری
Modiriat Shahrī
شماره ۲۳ - بهار ۱۳۸۸
No.23.Spring 2009

■ ۵۵ ■



چارچوب تدوین شده و روابط متقابل نظام مدیریت مجموعه‌های شهری همان گونه که در نمودار (شماره ۳) نشان داده شده است بر پایه دو سطح سیاستگذاری و برنامه‌ریزی و سطح مدیریت اجرایی و عملیاتی قرار گرفته است. در این چارچوب «الگوی مدیریت کلان شهری دوسطحی» مدنظر است که سطح اول آن راه مدیریت‌های

نمودار (شماره ۳): نظام پیشنهادی مدیریت مجموعه‌های شهری در نظام مدیریت شهری کشور



مأخذ: (عسگری(ب)، ۱۳۷۸: ۵۸)



فصلنامه مدیریت شهری
Modiriat Shahrī
شماره ۲۳ - بهار ۱۳۸۸
No.23.Spring 2009

۵۶

مشارکت شهروندان به صورت غیرمستقیم و از طریق شوراهای شهر و مؤسسات و شرکت‌های خصوصی و غیردولتی صورت می‌گیرد.

از نظر پاسخ‌گویی، در نظام مذکور برای شورای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی مجموعه شهری تکلیف شده است (ماده ۶۴ و ۶۵ لایحه نظام مدیریت مجموعه‌های شهری)، در صورتی که افراد و ساکنان، نسبت به تصمیمات این شورا و اقدامات سازمان اجرایی مجموعه شهری اعتراضی داشته باشند، این شورا می‌بایست از طریق هیأتی جهت بررسی و رسیدگی به اعتراضات، ظرف مدت سه ماه پاسخ لازم را بدهد (عسگری(ج) ۱۳۷۸: ۱۹). با وجود اینکه در نظام فوق برای پاسخ‌گویی به شورای سیاست‌گذاری تکلیف شده است، اما عدم تعیین سازوکار ارتباط مؤثر (آگاهی داشتن از سیاست‌ها و اظهار نظر کردن) شهروندان و ساکنان با نظام تدوین شده، می‌تواند به عدم مطلوبیت نظام مدیریت مذکور در پاسخ‌گویی و شفافیت در سیاست‌گذاری‌ها و جریان اطلاعات باشد. مضافاً اینکه این سیستم از نظر شهروندان از این جهت که نمی‌دانند چه کسی در مقابل چه اموری مسئول است

نظام تدوین شده فوق معیارهای حکمروایی خوب شهری را نشان می‌دهد. با توجه به اینکه نظام فوق در دو سطح؛ کل مجموعه شهری و سطح شهرداری‌ها عمل می‌کند، از نظر معیارهای کارایی، عدالت، جهت‌گیری توافقی در این نظام، این امکان فراهم می‌شود که توزیع مجدد درآمدها در سطحی بالا و از طریق ترکیب سیاست‌های درآمدی به صورت سیاستی یکسان در سطح کل منطقه اعمال گردد. از این رو میزان سهم هر کدام از شهرداری‌ها در سطح بالاتر از نظر درآمدی بستگی به تعداد پرداخت‌کنندگان مالیات و منابع مالیاتی موجود در آن خواهد داشت و از نظر مخارج و هزینه‌ها شهرداری سطح منطقه‌ای، مخارجی را عهده‌دار می‌شود که منافع آن نصیب کلیه ساکنان مجموعه شهری می‌شود. از طرفی، دیگر لزوماً میزان مخارج صورت‌گرفته متناسب با میزان درآمدهای کسب‌شده نبوده و بنابراین اثرات باز توزیعی به همراه خواهد داشت و امکان توزیع مجدد درآمد از محدوده‌های متمول‌تر به محدوده‌های فقیرتر فراهم می‌شود. البته با وجود مزیت‌های ذکر شده امکان اتلاف هزینه‌های موازی کاری در دو سطح نظام فوق وجود دارد. از نظر معیار مشارکت شهروندان، نحوه

می‌تواند کمی پیچیده و مبهم باشد. از نظر تمرکززدایی، با توجه به دوسطحی بودن نظام مدیریت مجموعه‌های شهری و جایگاه تعریف‌شده سطوح محلی در این نظام، می‌تواند کارایی مطلوبی داشته باشد. در معیار دارا بودن بینش راهبردی نیز با توجه به اینکه در نظام مدیریتی مذکور، در سطح مدیریتی مجموعه شهری هدف‌گذاری و تدوین سیاست‌های مشترک در قالب مجموعه‌ای همکار از شهرها و روستاها با تعاملات و برون‌داده‌های کل مجموعه دیده می‌شود، امکان نگرش راهبردی به مسائل مربوط به مجموعه را فراهم می‌کند.

در مجموع بررسی تجربه فوق نشان می‌دهد، نظام مدیریتی مذکور در بسیاری از معیارهای حکمروایی خوب نظیر، کارآیی، عدالت، جهت‌گیری توافقی، نگرش راهبردی و تمرکززدایی دارای جهت‌گیری‌های تعریف‌شده مناسبی است که امکان تحقق این معیارها را می‌تواند فراهم کند. در سایر معیارها نظیر: مشارکت شهروندان، شفافیت و پاسخ‌گویی، نظام مدیریتی مذکور هر چند که جهت‌گیری‌های غیرمستقیم و کلی داشته است اما نیازمند تبیین شفاف‌تر سازوکار تعامل نظام مدیریت تعریف‌شده این معیارهاست.

جمع‌بندی

شهرها به عنوان بزرگ‌ترین اجتماع مدنی دنیا، امروزه به‌عنوان کانون تمدن‌های بشری از جایگاه پراهمیتی برخوردارند. این جایگاه در کنار روبه‌رویی با انبوه مشکلات جمعیتی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، کالبدی و فضایی، مدیریت شهرها را بیش از هر زمان دیگری پیچیده و دشوار کرده است. از این رو مراکز علمی و تحقیقاتی و سازمان‌های بین‌المللی توسعه در طی چند دهه اخیر، با تشدید مسائل حوزه مدیریت شهری و در پی تحقق پایداری در مدیریت شهری به چاره‌جویی پرداخته و در نهایت در زمان حاضر رویکرد «حکمروایی خوب شهری» به‌عنوان اثربخش‌ترین، کم‌هزینه‌ترین و پایدارترین شیوه اعمال مدیریت پذیرفته شده است.

با توجه به اینکه روزبه‌روز بر انبوهی و پیچیده‌گی مشکلات مدیریت شهری در کشورهای در حال توسعه و از جمله ایران، افزوده می‌شود به‌کارگیری اصول حکمروایی خوب شهری ضرورت انکارناپذیر حال و چشم‌انداز آینده مدیریت شهرهاست. مؤلفه‌هایی چون شفافیت، پاسخ‌گویی، مشارکت‌طلبی، قانون‌مداری، کارآمدی، اجماع‌گرایی، عدالت، بینش راهبردی و تمرکززدایی می‌تواند به‌عنوان برون‌رفت از مشکلات فعلی و ترسیم مطلوب چشم‌انداز آینده نقش محوری در برنامه‌های مدیریت شهری ایران ایفا کند. با این وجود با توجه به نهادینه و ساختاری شدن بسیاری از مشکلات مدیریت شهری در ایران در ابتدای امر تحقق‌پذیری اصول فوق دشوار می‌نماید. لیکن تبیین صحیح، نهادینه‌سازی و نگاه راهبردی به موضوع «حکمروایی خوب شهری»، کمک می‌کند تا مدیریت پایدار شهری به‌سرعت و با امیدواری بیشتری در شهرهای ایران شکل گیرد.



پی‌نوشت:

۱۰- شفيعی، حسن؛ دستور کار ۲۱، منشور مدیریت

شهری مشارکتی، شهرداری‌ها، سال سوم، شماره ۳۵، فروردین ۱۳۸۱.

۱۱- لاله پور، منیژه؛ حکمروایی شهری و مدیریت شهری در کشورهای در حال توسعه، جستارهای شهرسازی، سال ششم، شماره ۱۹ و ۲۰، بهار ۱۳۸۶.

۱۲- صالحی، اسماعیل؛ اجلاس ۲۰۰۲ سران کشورها در ژوهانسبورگ و اهمیت آن در مدیریت شهری، شهرداری‌ها، سال سوم، شماره ۳۵، ۱۳۸۱.

۱۳- فرزین‌پاک، شهرزاد؛ از آموختنی‌های شهر، حکمروایی خوب چیست؟، شهرداری‌ها، سال ششم، شماره ۶۹، بهمن ۱۳۸۳.

۱۴- زیبایی، نیره؛ حکمروایی شهری زمینه‌ساز پایداری شهر، <http://citymanager.blogfa.com>، ۲۵ دی‌ماه ۱۳۸۷.

۱۵- عربشاهی، زهرا؛ قانون برنامه چهارم زیر ذره‌بین حکمروایی خوب شهری، شهرداری‌ها، سال ششم، شماره ۶۹، بهمن ۱۳۸۳.

۱۶- عسگری(الف)، علی؛ طرح طراحی نظام جامع مدیریت مجموعه‌های شهری کشور، پژوهشکده شهری و روستایی، مرحله اول، ۱۳۷۸.

۱۷- عسگری(ب)، علی؛ طرح طراحی نظام جامع مدیریت مجموعه‌های شهری کشور، پژوهشکده شهری و روستایی، مرحله سوم، ۱۳۷۸.

۱۸- عسگری(ج)، علی؛ لایحه نظام جامع مدیریت مجموعه‌های شهری کشور، پژوهشکده شهری و روستایی، ۱۳۷۸.

19 . James, M.B. "Managing the Modern City"; Chicago; Centre for Governmental Stickers, 1991.

20 . Morgan, T.M. Environmental Health, Wadsworth, Canada, 2003.

21 . Downer, Alexander, Good Governance (Guiding principles for implementation), Australia, Canberra Mail- ing Centre, 2000.

۱- طرح «طراحی نظام جامع مدیریت مجموعه‌های شهری کشور» به کارفرمایی پژوهشکده شهری و روستایی سازمان شهرداری‌ها و توسط پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس، گروه برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای با مدیریت آقای دکتر علی عسگری در تابستان ۱۳۷۸ انجام شده است.

منابع و مأخذ:

۱- اسدی، ایرج؛ برنامه‌ریزی و مدیریت شهری از قلمرو علم تا میدان سیاست (گفتگو با علی مدنی‌پور)، شهرداری‌ها، سال پنجم، شماره ۵۷، بهمن ۱۳۸۲.

۲- اطهاری، کمال؛ برک‌پور، ناصر؛ کاظمیان، غلامرضا و مهدیزاده، جواد؛ حکمروایی شهری مبانی نظری و ضرورت شکل‌گیری آن در ایران (گفتگو)، جستارهای شهرسازی، سال ششم، شماره ۱۹ و ۲۰، بهار ۱۳۸۶.

۳- اطهاری، کمال؛ حاکمیت شایسته و ضرورت احیای حوزه عمومی، جستارهای شهرسازی، سال ششم، شماره ۱۹ و ۲۰، بهار ۱۳۸۶.

۴- برآبادی، محمود؛ حکمروایی خوب شهری، شهرداری‌ها، سال ششم، شماره ۶۹، بهمن ۱۳۸۳.

۵- برک‌پور، ناصر؛ حکمروایی شهری و نظام اداره شهرها در ایران، همایش برنامه‌ریزی و مدیریت شهری، ۱۳۸۵.

۶- بوجانی، محمدحسین؛ لزوم بازبینی محتوای مدیریت کلان شهری، روزنامه اعتماد، شماره ۱۳۴۲-۱۲، تیرماه ۱۳۸۶.

۷- ترابی، علیرضا؛ مدیریت پایدار شهری در گرو حکمرانی خوب، شهرداری‌ها، سال ششم، شماره ۶۹، بهمن ۱۳۸۳.

۸- جی، شایبرچیم؛ مدیریت شهر، خط‌مشی‌ها و نوآوری‌ها، ترجمه: پرویز زاهدی، شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری، ۱۳۷۹.

۹- شهیدی، محمدحسین؛ شهرسازی، حمل و نقل و حکمروایی شهری، جستارهای شهرسازی، سال ششم، شماره ۱۹ و ۲۰، بهار ۱۳۸۶.